

«روزنامه سر آمد» منتشر می کند؛

# نفتکش‌های ایران در معرض توقیف

**فرشته رضایی** - گروه انرژی - فرشته رضایی - تشدید تحریم‌های آمریکا علیه کشورمان، به‌ویژه در حوزه صنعت نفت که ستون فقرات اقتصاد ایران محسوب می‌شود، چالش‌های عمیق و چندلایه‌ای را به همراه داشته است. هشتم فروردین ماه سال جاری پلومبرگ از توقف ۱۱ نفتکش حامل حدود ۱۷میلیون بشکه نفت ایران در سواحل مالزی خبر داد؛ خبری که نشانه‌ای از اختلال در زنجیره لجستیکی تجارت نفت ایران با چین، بزرگ‌ترین خریدار نفت کشورمان است.

به گزارش روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد، توقیف نفتکش‌های حامل نفت ایران که در منطقه‌ای استراتژیک برای انتقال کشتی به‌کشتی رخ داده، نه تنها از کندی روند صادرات نفت کشور حکایت دارد، بلکه می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری برای اقتصاد ما به‌دنبال داشته باشد. ابتدا بهتر است نگاهی به نقش استراتژیک مالزی در زنجیره صادرات نفت ایران داشته باشیم. مالزی، به‌ویژه در منطقه شرق شبه‌جزیره مالزی، به دلیل موقعیت جغرافیایی و زیرساخت‌های لجستیکی خود، به یکی از مراکز کلیدی برای انتقال کشتی به‌کشتی نفت تحریمی ایران تبدیل شده است. این فرآیند، که به منظور دور زدن تحریم‌های پالمانه علیه ما انجام می‌شود، بخش مهمی از استراتژی صادرات نفت ایران را تشکیل می‌دهد.

توقف طولانی مدت نفتکش‌ها در سواحل مالزی، همانطور که پلومبرگ گزارش داده، می‌تواند ناشی از فشارهای فزاینده آمریکا بر دولت مالزی یا شرکت‌های فعال در این منطقه باشد. این فشارها ممکن است شامل تهدید به تحریم‌های ثانویه یا محدودیت‌های مالی برای نهادهای دخیل در این تجارت باشد. پیش‌تر تحلیلگران در نشریه فایننشال تایمز اشاره کرده‌اند که مالزی به‌عنوان یک بازیگر میانی در تجارت نفت ایران، تحت نظارت دقیق‌تر نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است.

آنطور که اقتصادآلاین نوشته؛ کاهش همکاری مالزی با ایران می‌تواند به اختلال جدی در زنجیره تأمین نفت این کشور منجر شود، به‌ویژه اگر این کشور به دلیل ریسک‌های اقتصادی و سیاسی از ادامه این نقش عقب‌نشینی کند. این امر توانایی ایران برای دسترسی به بازارهای جهانی را به‌طور قابل توجهی محدود خواهد کرد.

در این میان کاهش نقش حیاتی چین در پایداری درآمدهای نفتی ایران چه اثراتی بر اقتصاد ما خواهد گذاشت؟ چین به‌عنوان بزرگ‌ترین مشتری نفت ایران، نقش بی‌بدیلی در حفظ جریان درآمدی کشور ایفا می‌کند. با وجود

خبر

سخنگوی صنعت آب کشور:

## بارش‌های بهاری جبران عقب‌ماندگی پنج‌ساله خشکسالی رانمی‌کند

**فرشته رضایی** - سخنگوی صنعت آب کشور گفت: با توجه به عقب‌ماندگی انباشته بارش‌ها از سال‌های گذشته و اینکه اکنون در پنجمین سال خشکسالی هستیم، باید گفت که اگر همین بارندگی‌های اخیر نیز اتفاق نمی‌افتاد، وضعیت واقعاً غیرقابل تحمل می‌شد. به گزارش اقتصادسرآمد، عیسی بزرگ‌زاده در پاسخ به این پرسش که آیا

تحریم‌های آمریکا، چین تاکنون با استفاده از شرکت‌های خصوصی و روش‌های غیررسمی، به خرید نفت ایران ادامه داده است، اما گزارش اخیر پلومبرگ از کندشدن روند لجستیکی تجارت نفت با چین، می‌تواند نشانه‌ای از تغییر رویکرد پکن باشد. این تغییر ممکن است تحت تأثیر فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی آمریکا، از جمله تهدید به تحریم شرکت‌های چینی یا محدودیت دسترسی آن‌ها به سیستم مالی بین‌المللی، رخ داده باشد.

**تأثیر تحریم‌هایر توانایی همان ناوگان سایه**

تشدید تحریم‌های آمریکا، به‌ویژه تمرکز بر «ناوگان سایه» ایران -شبکه‌ای از نفتکش‌های قدیمی و تحت پرچم کشورهای ثالث- به‌طور مستقیم بر زیرساخت‌های لجستیکی صادرات نفت کشور تأثیر گذاشته است. براساس گزارش سال گذشته آژانس بین‌المللی انرژی، تحریم‌های آمریکا می‌تواند تا ۵۰۰هزار بشکه در روز از صادرات نفت ایران بکاهد که این میزان حدود یک‌چهارم کل صادرات فعلی کشور را تشکیل می‌دهد. از منظر اقتصادی، کاهش درآمدهای نفتی به معنای تضعیف منابع ارزی کشور است که برای واردات کالاهای اساسی، حفظ ارزش پول ملی و تأمین بودجه دولت حیاتی هستند. سال گذشته اکونومیست در تحلیلی پیش‌بینی کرده بود که در صورت تداوم این روند، کسری بودجه ایران در سال ۲۰۲۴ (۱۴۰۳) می‌تواند به بیش از ۱۰درصد تولید ناخالص داخلی برسد، مگر اینکه ایران بتواند منابع درآمدی جایگزین یا روش‌های مؤثرتری برای دور زدن تحریم‌ها پیدا کند.

اگرچه ایران تجربه‌ای طولانی در مقابله با تحریم‌ها دارد و استفاده از روش‌هایی مانند تغییر هویت نفتکش‌ها، انتقال محموله‌ها در آب‌های بین‌المللی و فروش در بازارهای خاکستری، بخشی از این استراتژی‌ها بوده است، اما پلومبرگ در گزارش سال گذشته خود اشاره کرده بود که ایران ممکن است با گسترش شبکه واسطه‌ها در کشورهایی مانند امارات متحده‌عربی یا سنگاپور، بخشی از صادرات خود را حفظ کند، ولی این روش‌ها هزینه‌بر و ناپایدار هستند.

**رسانه‌های جهانی چه می‌گویند؟**

هم‌اکنون و در سال جدید پلومبرگ تأکید دارد که توقف نفتکش‌ها در مالزی بخشی از استراتژی گسترده‌تر آمریکا برای فلج کردن صادرات نفت ایران است و این اقدام می‌تواند درآمدهای نفتی ایران را تا ۳۰درصد کاهش دهد.



پیش‌بینی و راه باقیمانده از نظر فایننشال تایمز هم این گونه بوده که فشار بر مالزی و چین ممکن است ایران را به سمت یافتن شرکای جدید، مانند هند یا ترکیه سوق دهد، هرچند این گزینه‌ها با محدودیت‌های خاص خود همراه هستند. در این میان اما رویترز خوش‌بین‌تر است و اشاره می‌کند که ایران با تکیه بر تجربه گذشته و انعطاف‌پذیری در برابر تحریم‌ها، ممکن است بتواند بخشی از صادرات خود را از طریق مسیرهای غیرمعارف حفظ کند. اکونومیست نیز پیشنهاد می‌دهد که ایران می‌تواند با سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و افزایش صادرات گاز، بخشی از خسارات ناشی از تحریم‌های نفتی را جبران کند، اما این اقدامات نیازمند زمان و منابع مالی قابل توجهی بوده که در حال حاضر دستیابی به آن‌ها سخت است. این تحلیل‌ها نشان‌دهنده عدم اجماع در مورد شدت تأثیر تحریم‌ها هستند، اما همگی بر یک نکته توافق دارند: تشدید فشارها زنجیره فروش نفت ایران را شکننده‌تر کرده است.

**سیاست‌های ترامپ برای تحریم نفتی ایران**

دونالد ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود (۲۰۱۱-۲۰۱۷) سیاست «فشار حداکثری» را علیه ایران اعمال کرد. این سیاست با خروج آمریکا از توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۸ آغاز شد و هدف آن به صفر رساندن صادرات نفت کشورمان از طریق تحریم‌های شدید بود. او با استفاده از تحریم‌های ثانویه، کشورهایی که به خرید نفت از ایران ادامه می‌دادند را تهدید به مجازات اقتصادی کرد. در نتیجه این سیاست، صادرات نفت ایران به‌شدت کاهش یافت و از حدود ۲.۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۶ به کمتر از ۴۰۰هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ رسید. پس از این دوره، ایران مجدداً توانست توان صادراتی نفت خود را احیا کند و بر اساس آمارهای کپلر، ایران تا اواخر سال ۲۰۲۴ به‌طور متوسط روزانه یک‌میلیون و ۵۱۲هزار بشکه نفت تحویل چین داده که ۴۴درصد بیشتر از سال قبل‌تر از خود و دربرابر سال ۲۰۲۲ است.



## جدول ۳۰۰

**افقی:**

۱- سوغات اصفهان- برقرار- تقسیم کردن زمین زراعی به قطعاتی

۲- رشته کوه معروف آمریکای شمالی- فرصت پرداختن به امور دلخواه و سرگرمی- دریافت کردن

۳- واسطه- جایزه جشنواره موسیقی فجر

۴- شبیه- زمینه‌سازی- نیمبدهای درازگوش

۵- ذره باردار- آهو- پهلوانی که به‌دست حضرت داوود(ع) کشته‌شد

۶- از جنس آهن- خاندان رسول اکرم(ص)- شکرک

۷- ارجمندی- دستبند زینتی- مایه‌دردرسر

۸- ضرباهنگ- رسیدن به منکر وجود خدا

۹- گروی- از محلات شمال تهران- کجاست

۱۰- شبیه‌عقیق- ستون‌بندی سخت اکرم(ص)-امتلذران

۱۱- رودخانه‌ها- ارفاقی- حلقه سبکتال

۱۲- از-ساز-های آیینی ایران- فروغ و پرتو- پزشک دربار فراتعه

۱۳- وضعیت دشوار-

۱۴- هفدهمین سوره قرآن- دارای نقوش گل‌های رنگارنگ- گردنده- سنگریزه

\*\*\*

**عمودی:**

۱- دسته‌جمعی- ملائکه- تخم‌مرغ انگلیسی

۲- به دنیا آوردن- پارالل- غذایی از مرغ آغشته به آرد سوخاری

۳- آرشه- نوعی پارچه نفیس- لطیف

۴- رسم و سنت- بی‌نام تو.. کی کنم باز- سازمان- نهاد

۵- کتاب ترسایان- درختی برگریز و زیبا

۶- خطاب مردان ترکیه- گردنباه- فضاییماید بالدار

۷- صندوقچه جواهرات- غذایی از گوشت ران گوساله- معدن- افزونی برج

پس از پخته‌شدن

۸- نویسنده قرن بیستم ایتالیا و خالق بارون درختخشن

۹- روحانی زرتشتی- بازداشتن- مخترع پیل الکتریکی- فرمان سکوت

۱۰- مقام- مآج- کارخانه پارچه‌بافی

۱۱- اقتضاکردن- سوره قلب قرآن

۱۲- مجله مدل لباس- لپ‌سیاه- لاغرو تحیف

۱۳- گماشتن- نوعی شمعدان پایهلند- زنان عرب

۱۴- آلبومی به‌آواز زنده‌یاد محمدرضا شجریان- پاورقی- ریه

۱۵- پهلوان- نوعی ماشین چاپ خودکار- کدخدا

دوشنبه- ۱۸ فروردین ۱۴۰۴- سال یازدهم- شماره ۲۱۷۰

# آب و انرژی

یادداشت

مرثیه‌ای برای آب: از زاینده‌رود تا هرمزگان؛ تشنه تدبیر



**سامیه طهوریان** - اینجا جنوب است. هرمزگان. جایی که آفتاب پوست می‌سوزاند، خاک ترک برداشته و آسمان مدت‌هاست که از باریدن دست کشیده است. آمارها رسمی‌اند، اما دردشان واقعی: کاهش ۷۶درصدی بارندگی نسبت به میانگین بلندمدت ۵۷ساله. یعنی دیگر نه بارانی مانده و نه امیدی در دل زمین. جمشید عبدانسی، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای، در گزارشی صریح گفت: «از ۲۵ ایستگاه شاخص، فقط ۶ مورد بالای ۷۰ میلی‌متر بارش داشته‌اند و کمترین بارندگی تنها ۱.۷ میلی‌متر بوده است.» این یعنی فاجعه!

در استان‌مان که زمانی میانگین بارندگی اش حدود ۱۸۵ میلی‌متر بود، حالا باید به ۲۹ میلی‌متر قناعت کرد. اما مشکل فقط ابرهای خالی نیست. فاجعه، آنجاست که حتی در چنین خشکی هولناکی، توسعه غیراصولی همچنان بی‌محاسبه ادامه دارد. کشاورزی سنتی، آن هم در دامی ۴درجه و رطوبت نفس گیر، هنوز در صدر برنامه‌هاست. چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق یکی‌یکی در دل بیابان‌هایمان حفر می‌شوند، بی‌آنکه کسی پرسد: این آب از کجا می‌آید و تا کی دوام دارد؟

اما این تنها هرمزگان نیست که از تشنگی می‌نالد. صدای زاینده‌رود سال‌هاست که دیگر خاموش شده و خبرهایش هر روز داغ‌تر. کار به جنگ داخلی کشیده، میان یزد و اصفهان، میان دو همسایه دیرین. زاینده‌رود روزی بود که از دل اصفهان می‌گذشت و شهر را زنده نگه می‌داشت، اما حالا دیگر از آن چیزی جز بستر خشک و ترک‌خورده باقی نمانده. آب زاینده رود می‌رود که صنایع فولادی را سرپانگه دارد. حسین اخانی، استاد دانشگاه تهران و از معهود متخصصانی که از نظر من جسارت بیان واقعیت را دارد، از فاجعه زاینده‌رود به‌عنوان «بیرون زدن کوه یخ» یاد کرد. او گفت: «این همان چیزی ست که سال‌ها درباره‌اش هشدار دادیم و کسی نشنید. شاخه‌ای که بر آن نشسته بودیم را بریدیم. توسعه‌ای که با پایه آب است، در کشوری که آب ندارد، تنها به مرگ منتهی می‌شود.» او به درستی اشاره می‌کند: مسیر اشتباه رسعه، سه دهه است ادامه دارد. وقتی سد ساختیم تا به خیال خودمان منابع را مدیریت کنیم؛ اما نتیجه‌اش خشکاندن دشت‌ها و مرگ تالاب‌ها شد. وقتی به بهانه امنیت غذایی، بر رویه کشت کردیم و منابع زیرزمینی را تا ته کشیدیم. وقتی برای نمایش قدرت، بی‌توجه به اقلیم و اقشار، هر زمین خالی را به مزرعه تبدیل کردیم.

در همین سالی که باران نبارید و زمین تشنه ماند، وزیر جهاد کشاورزی وقت از رشد ۲۶ درصدی تولید محصولات کشاورزی خبر داد؛ اما به چه قیمتی؟ با چه آبی؟

دوباره برگردیم به هرمزگان. روستاهایش، که روزگاری باغ‌های نخل و لیمو داشتند، حالا درگیر دعوا بر سر آبند. مردم شبانه سراغ چاه همسایه می‌روند، لوله‌ها را قطع می‌کنند و هر روز از یک روستا خبر درگیری می‌رسد. نه امنیت مانده، نه عدالت و نه برنامه‌ای که بخواد ایسن بی‌نظمی را سامان دهد.

در این میان، مدیران اما سرگرم چیزهای دیگری‌اند. سیاست‌گذاری‌هایی که اولویت را به فرهنگ‌سازی‌های نمایشی، محدودیت‌های بی‌ثمر و توسعه‌هایی پوچ داده‌اند. نه طرحی برای اصلاح کشاورزی، نه برنامه‌ای برای کنترل چاه‌ها نه اقدامی برای کاهش مصارف غیرضروری. حتی شاهد آنیم که ساخت‌وسازهای لوکس و ویلاهای شخصی از شمال کشور فراتر رفته‌اند و حالا تا دامنه کوه‌های زاگرس، حاشیه فارس و حتی نواحی خوش آب‌وهوای هرمزگان هم امتداد یافته‌اند.

نکته تلخ‌تر آنجاست که بسیاری از این ویلاها و استخرهای خصوصی متعلق به همان مدیران و وابستگان هستند؛ کسانی که می‌دانند آب کجاست؛ اما ترجیح می‌دهند آن را برای راحتی آخر هفته‌شان ذخیره کنند نه برای بقای مردم یک روستا. اگر امروز بحران را ننبینم، فردا دیگر چیزی برای دیدن نخواهیم داشت. سرزمین ما تشنه است. نه فقط از نبود باران، که از کمبود تدبیر. هرمزگان یک نمونه است، زاینده‌رود یک فریاد. اما این فریادها اگر شنیده نشوند، به زودی به خشم بدل می‌شوند. خشم زمین، خشم مردم، خشم آینده.